

## فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره یازدهم، زمستان ۱۴۰۱، ص ۵-۲۴

# اصول و روش تربیت فرزند از دیدگاه قرآن کریم

محمد رشیدی نیا<sup>۱</sup>

### چکیده

خانواده اساسی ترین نظام اجتماعی از نظر اسلام می باشد و مهمترین مسئله در این نظام مقدس مسئله ی تربیت فرزندان و روابط خانوادگی می باشد. همه ی آموخته ها، عادت ها، رفتارها و منش های ما ناشی از محیط است و در اثر وجود سرمشق ها، مربیان و یادگیری های مستقیم و غیر مستقیم پدید می آیند اما آنچه در ادامه ی فرایند رشد شخصیت کودکان و تأثیرپذیری آنها از الگوهای رفتاری بسیار حساس است، هماهنگی، همانندی و همراهی الگوها در رشد شخصیت و تثبیت معیارهای اخلاقی به هنگام ورود کودک به مدرسه می باشد. تربیت در لغت به معنای ایجاد چیزی یا حالتی، به تدریج و در مراحل مختلف است تا به حد کمال و تام خود برسد. اسلام این وظیفه سنگین را قبل از هر نهاد دیگری به خانواده سپرده است. خانواده ها برای تربیت فرزندان صالح و سالم از کودکی تلاش می کنند و از راه های مانند الگودهی به کودک، موعظه، تشویق و تنبیه و ... استفاده کنند تا فرزندان با حیا، مسئولیت پذیر، باادب، شجاع با درایت تربیت کنند. بنابراین لازم است والدین با هماهنگی و همراهی هم، خودشان الگوی عملی تربیت دینی باشند و علاوه بر آن بتوانند الگوهای مناسبی به کودکان ارائه دهند. ارائه الگو می تواند، رفتار، کردار و گفتار آنها بزرگترین وسیله ی تربیت دینی ایشان خواهد بود، از این روست که مهمترین عامل برنامه های تربیتی کودکان، ویژگیهای مطلوب والدین و مربیان است، زیرا کودکان از نظر عاطفی و احساسی به شدت متأثر می شوند و چگونگی خلاق، رفتار و شخصیت اطرافیان بر باورها، بازخوردها و رفتارهای فردی و اجتماعی شان اثر می گذارد. در قرآن کریم در خصوص نقش ارزنده والدین در راستای تحقق تربیت دینی و راه های توانمند سازی ایشان در این زمینه تاکید فراوان گردیده که به تشریح آیات مربوطه با عنایت به تفاسیر موجود می پردازیم.

کلیدواژه ها: قرآن کریم، نقش تربیت، خانواده، فرزند صالح

<sup>۱</sup> دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد ادبیات عرب از دانشگاه پیام نورمهاباد، کارشناسی زبان و ادبیات عرب از دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، آدرس ایمیل:

## مقدمه

قرآن، گذشته از جنبه هدایتی‌اش، یک منبع مهم دانشی در باب اصول و روش‌های تربیتی است برای سنین مختلف، از کودک گرفته تا سالخورده و برای تمامی مراحل زندگی، از پیش از تولد تا هنگامه مرگ برنامه زندگی ارائه کرده است، هیچ مکتبی در دنیا غیر از مکتب انبیا چنین خاصیتی را ندارد. در همه جای جهان، دولت‌ها، نهادها و مردم؛ برای حفظ جامعه قوانینی را ایجاد می‌کنند و بدون این قوانین انسان‌ها محدودیات اخلاق را از دست می‌دهند و جامعه به هرج و مرج می‌افتد. در واقع فرزندان، رهبران نسل‌های آینده را تشکیل می‌دهند، از این رو تربیت آنها از دیدگاه قرآن بسیار اهمیت دارد. تربیت در لغت به معنای ایجاد چیزی یا حالتی، به تدریج و در مراحل مختلف است تا به حد کمال و تام خود برسد. اسلام این وظیفه سنگین را قبل از هر نهاد دیگری به خانواده سپرده است. مقوله تربیت، فارغ از جنبه روحی و نفسانی آن، جنبه بدنی و عقلی را نیز شامل می‌شود و هر گاه این سه به موازات یکدیگر و به طور صحیح تربیت شوند، قطعاً انسان توانا و مستعدی را تقدیم جامعه بشری خواهیم کرد. خانواده، مدرسه و گروه‌های دینی عواملی هستند که صرف‌نظر از عوامل قهری همچون وارثت، بر روش و منش کودکان تأثیر به‌سزایی دارند. موضوع تعلیم و تربیت و روش‌های مطلوب آن از زمان‌های بسیار دور مورد توجه بشر بوده و در تمام عصرها در زندگانی انسان اهمیت والایی داشته است. علاوه بر پیامبران الهی که رسالت و مسئولیت تعلیم و تربیت جوامع بشری را عهده‌دار بوده‌اند، دانشمندان، فلاسفه و اندیشمندان هر جامعه و ملتی نیز همگام با آنان در این رهگذر می‌کوشیده‌اند. دانشمندان اسلامی نیز از آغاز قرن اول اسلامی تا کنون، به مدد قرآن و حدیث رهنمودها و تألیفات ارزشمندی از خود بر جای گذاشته‌اند که همه از آموزه‌های اسلامی الهام گرفته‌اند. در این مقاله بر آنیم که پس از بررسی اجمالی مفهوم تربیت و انواع آن، تربیت فرزند را از منظر قرآن کریم بررسی کنیم.

## ۱- مفهوم شناسی

### ۱-۱- تربیت در لغت و اصطلاح

واژه «تربیت» در لغت؛ از «ربو» به معنای زیادی و افزونی و رشد آمده است. (ابن منظور، ج ۱۴، ص ۳۰۴). راغب اصفهانی در این باره می‌گوید: «رَبَّیْتُ» از واژه «ربو» است و گفته‌اند اصلش از مضاعف یعنی «رب» است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۰). رب، در اصل به معنای تربیت است، و معنای آن ایجاد چیزی یا حالتی، به تدریج و در مراحل مختلف است تا به حد کمال و تام خود برسد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۰). مفهوم و واژه تربیت در بحث تربیت انسان بر پرورش استعدادها و توانایی‌ها دلالت می‌کند (ابوطالبی، ۱۳۸۸، ص ۱۷). یعنی زمینه‌ای فراهم شود که استعدادهای انسان به تدریج شکوفا شود، تا به حالت نهایی و کمال خود برسد.

## ۲- اهمیت تربیت فرزند از نگاه قرآن

یکی از مسائل مطرح شده در اسلام، مسئله وظایف والدین در تربیت فرزندان است که در نظر قرآن جایگاه ویژه‌ای دارد. خداوند متعال در سوره فرقان یکی از ویژگی‌های بندگان راستین را توجه خاص به تربیت فرزند و خانواده خویش می‌داند تا آن جا که آن‌ها برای خود در برابر فرزندان احساس مسئولیت فوق العاده‌ای می‌کنند چنان که می‌فرماید: «آن‌ها پیوسته از درگاه خدا می‌خواهند و می‌گویند پروردگارا از همسران و فرزندانمان دل‌های ما را شاد دار، ما را پیشوای پرهیزگاران گردان» (فرقان: ۷۴). از نظر قرآن تربیت نیک فرزندان بسیار اهمیت دارد. خیرخواهی برای اعضای خانواده و تربیت دینی آنان را تکلیفی برعهده مومنان دانسته، روی سخن را به همه مؤمنان کرده و دستوراتی درباره تعلیم و تربیت همسر و فرزندان و خانواده در آیه ششم سوره تحریم می‌دهد و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا؛ (تحریم/۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ خود و خانواده خود را از آتش نگاه دارید». در کافی از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است: «هنگامی که آیه نازل گردید، مردی از مسلمانان همواره گریه می‌کرد، اندوهگین بود، می‌گفت: «من از نفس خودم عاجز و ناتوان هستم، با این حال مکلف شده‌ام که اهل و عیالم را نیز حفظ کنم؟» رسول الله (صلی الله علیه آله) فرمود: «کافی است که تو آنان را امر کنی به آنچه خودت را به آن امر می‌کنی؛ آنان را نهی کنی از آنچه خودت را از آن نهی می‌کنی.» (فیض کاشانی، ۱۳۹۲، ج ۶، ص ۳۶۵) می‌توانیم از این آیه و تفسیر آن به اهمیت تربیت فرزند پی ببریم. در حقیقت فرزندی که تحت سرپرستی والدین قرار می‌گیرند؛ امید می‌رود که اگر به خوبی تربیت شوند؛ بتوانند افراد مفیدی برای خود و جامعه باشند؛ زیرا تربیت فرزندان می‌تواند بهترین هدیه از سوی والدین برای فرزندان محسوب می‌شود. و تاکید می‌کند حق زن و فرزند تنها با تأمین هزینه زندگی و مسکن و تغذیه آن‌ها حاصل نمی‌شود، مهم‌تر از آن تغذیه روح و جان آن‌ها و به کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است. در واقع شکل‌گیری شخصیت و رفتار کودک ابتدا از خانواده‌ی امن شروع می‌شود. اسلام دینی است که جایگاه خانواده را برای تربیت فرزند بسیار مهم می‌داند و به این موضوع نگاه خاص‌تری دارد. همچنین خداوند متعال در آیه ۵۸ سوره نور؛ پدر و مادر را موظف به تربیت فرزندان با تعلیم آداب می‌داند و از آنها می‌خواهد تا همه تلاش خویش را به کار گیرند که کودکان حتی مسائل ریز زندگی مانند آداب ورود به محل استراحت والدین را بشناسند و اجازه ندهند تا کودکان در خانه؛ خودسرانه عمل کنند و به هر کجا و هر زمانی که می‌خواهند وارد شوند. در حقیقت یک کودک از همین کودکی نیازمند به تربیت دینی و اسلامی می‌باشد و نباید تربیت را فقط در آداب معاشرت و چگونگی خوردن و خوابیدن دانست؛ بلکه تربیت لحظه به لحظه عمر و همه ابعاد زندگی انسان را در بر خواهد گرفت.

## ۲-۱- زمان آغاز تربیت دینی

از نظر دینی برای اینکه فرد، فرزندی صالح و سالم داشته باشند، علاوه بر اینکه یک همسر اصیل و دین‌دار را باید برای خود انتخاب کند، باید مسائلی مانند زمان و چگونگی آمیزش و نیز دقت در تغذیه حلال و مناسب در دوران بارداری و شیردهی را رعایت کند. در واقع بخشی از سلامتی و بیماری، زشتی و زیبایی؛ خوش خلقی و بدخلقی؛ و باهوشی و کودنی فرزندان، به تغذیه پدر و مادر در آن‌ها قبل از انعقاد نطفه و دوران جنینی مربوط

می‌شود. والدین، آموزش دینی فرزندان خود را باید از دوران نونهالی شروع کنند. در روایتی از حضرت علی (علیه‌السلام) خطاب به امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) فرموده‌اند: فرزندانم، قبل از این که دل نرم تو سخت، و فکرت مشغول شود، من به تربیت تو اقدام کردم. در حقیقت در دوران نونهالی؛ فطرت خداجوی کودک هنوز دست نخورده است و همین مسئله کار را برای والدین که به عنوان مربی فرزند خود هستند را آسان می‌کند. حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: قلب کودک مانند زمین خالی است که هر بذری را در آن بریزند، رشد خواهد کرد. (تمیمی‌آمدی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۸۷). از حضرت علی (علیه‌السلام) روایت شده است که فرمودند: «کودک تا هفت سالگی به تربیت بدنش بپردازد و هفت سال دوم آداب را بیاموزد و باید هفت سال سوم به او خدمت کرد و تا بیست و سه سال قدش بلند می‌شود و تا سی و پنج سال عقلش رشد می‌کند و پس از آن تجربه‌هایش اندوخته می‌گردد» (ابن‌بابویه، من لا من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ۳۱۹، ح ۱۵۵۱) امام باقر (علیه‌السلام) فرمود: هنگامی که کودک به سه سالگی رسید به او بگویند هفت مرتبه بگوید لا اله الا الله (تا بیاموزد)، در چهار سالگی به او بگویند که هفت مرتبه بگوید محمد رسول الله (تا یاد بگیرد)، در پنج سالگی رویش را به قبله متوجه کنند و به او بگویند که سر به سجده بگذارد، در پایان شش سالگی رکوع و سجده صحیح را به او بیاموزند و در هفت سالگی به طفل گفته شود: دست و رویت را بشوی و پس از آن به او گفته شود: نماز بخوان. (موسوی، ۱۴۲۰ق/ص ۱۱۵). رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «خداوند رحمت کند پدری را که با نیکی نمودن و مهربانی به فرزندش و با آموزش دادن و ادب کردنش او را در نیکی به خود یاری می‌کند.» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۶۲۶) امام کاظم (علیه‌السلام) فرمود: وقتی دختر بچه شش ساله شد، جایز نیست مرد نامحرم او را ببوسد، و همچنین نمی‌تواند او را در آغوش بگیرد (بغل کند). (حرعاملی، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۲۸) البته والدین باید توجه داشته باشند که موقعیت و شرایط کودک را بسنجند و در زمان‌هایی که او احساس خستگی و کسالت می‌کند و یا در زمانی که احساس خواب‌آلودگی می‌کند، از او این موارد را نخواهند، چون ممکن است نتیجه عکس داشته باشد. والدین در این دوران باید به کودک قرآن هم آموزش دهند. کودکانی که با قرآن مأنوس شده باشند از لحاظ رفتاری با دیگر کودکان تفاوت‌های بسیاری دارند. خواندن قرآن و درک مفاهیم آن می‌تواند رفتارهای ناپسند انسان را از بین ببرد. آموزش قرآن به فرزندان برای والدین اجر اخروی هم دارد. درحقیقت آموزش احادیث و سخنان ائمه معصومین (علیه‌السلام) می‌تواند دل‌های کودکان را بیدار کند و قلب‌های آنان را پر از آگاهی گرداند. در واقع علت انحراف بعضی از فرزندان در دوران نوجوانی و جوانی، وجود خلاء فکری در آنها می‌باشد. چون اگر آنان از سنین کودکی ار اساس اسلام آموزش و تربیت می‌شدند و با روشی که ائمه معصومین (علیه‌السلام) بیان فرموده‌اند؛ سوق داده شده بودند، اکنون در ذهن خود احساس بیهودگی نمی‌کردند و به سوی افکار باطل گرایش پیدا نمی‌کردند. از این رو والدین در امر تعلیم و تربیت کودک وظیفه‌ی مهمی به عهده دارند؛ زیرا که این دوران، مرحله مهم آموزش است و نباید فرصت‌های طلایی آن را از دست داد. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «هفت سال اول برای بازی، هفت سال دوم برای تعلیم علم و هفت سال سوم برای آموختن احکام حلال و حرام خداست.» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۱۸۴، ح ۳۷۵).

### ۳- روش‌های تربیت فرزند

بهترین روش تربیت که مبتنی بر شناخت حقیقت انسان و همه نیازهای روحی و روانی اوست، راه وحی است و قرآن کریم آیین خود را بهترین آیین تربیت برای کل بشر معرفی کرده است. در آیه ۹ سوره اسرا در این رابطه چنین آمده است: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» (اسراء / ۹) قطعاً این قرآن به [آیینی] که خود پایدارتر است راه می‌نماید و به آن مؤمنانی که کارهای شایسته می‌کنند مژده می‌دهد که پاداشی بزرگ برایشان خواهد بود». هر چند که به روش تربیت کودک در قرآن تصریح نشده و لکن این مطلب، از لابه لای برخی از آیات و داستان‌های قرآن کریم به زیبایی نمایان است.

### ۳-۱- روش الگویی

انسان ذاتاً الگوظلب و الگوپذیر است. به همین جهت یکی از بهترین و کوتاه‌ترین روش‌های تربیت استفاده از الگو است. الگو هرچه کامل‌تر و جامع‌تر این روش کارآیی بیشتری خواهد داشت. کودک در چند سال نخست زندگی خود، همه کارهایش را از الگوهای پیرامون خود که در درجه اول «پدر و مادر» او هستند، الگوبرداری می‌کند و با تقلید از آنان رشد کرده و ساختار تربیتی‌اش سامان می‌یابد. قرآن به تأثیرپذیری انسان از محیط و شرایط گوناگون اذعان دارد و به او نسبت به تأثیرات آنها هشدار می‌دهد. در مورد فرزند حضرت نوح (علیه‌السلام) خداوند به صراحت می‌فرماید: او از اهل تو نیست؛ زیرا به دلیل متأثر شدن از عوامل محیطی ناصالح، از مسیر صلاح و درستی خارج شده است. (هود: ۴۲-۴۶). خداوند متعال به ستایش از جوانان «اصحاب کهف» می‌پردازد که با هجرت از محیط فاسد، خود را از عوامل محیطی ناسالم دور ساختند و ایمان خویش را حفظ کردند. (کهف: ۹-۲۶). می‌توان گفت: اقدام شجاعانه ساحره فرعون در زیر پا گذاشتن موقعیت اجتماعی خود و ایمان آوردن به حضرت موسی (علیه‌السلام) الگوی توبه حقیقی برای دیگران می‌شود (شعراء: ۳۸-۴۶). قرآن کریم در آیه ۴۴ بقره می‌فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ؛ آیا مردم را به نیکی دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید؟» و در آیات ۲ و ۳ سوره صف آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ (۲) كَبْرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَعْمَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید، نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید.» رفتارهای صحیح یک الگوی نمونه را معرفی می‌کند و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را به عنوان الگویی کامل برای تربیت عملی بشر، معرفی می‌نماید و می‌فرماید: «فَدَّ كَانَتْ لَكُمْ أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَّاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ؛ قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست آن گاه که به قوم خود گفتند ما از شما و از آن چه به جای

خدا می پرستید بیزاریم به شما کفر می ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید جز [در] سخن ابراهیم [که] به [نا]پدر [ای] خود [گفت] حتماً برای تو آمرزش خواهم خواست با آن که در برابر خدا اختیار چیزی را برای تو ندارم ای پروردگار ما بر تو اعتماد کردیم و به سوی تو بازگشتیم و فرجام به سوی توست». (ممتحنه: ۴) همچنین در آیات ۱۰ تا ۱۲ سوره تحریم نیز در این رابطه آمده است: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا... بِكَلِمَاتٍ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنِ الْقَانِنِينَ؛ خدا برای کسانی که کفر ورزیده‌اند زن نوح و زن لوط را مثل آورده [که] هر دو در نکاح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به آن‌ها خیانت کردند و کاری از دست [شوهران] آن‌ها در برابر خدا ساخته نبود و گفته شد با داخل شوندگان داخل آتش شوید» و برای کسانی که ایمان آورده‌اند خدا همسر فرعون را مثل آورده آن‌گاه که گفت پروردگارا پیش خود در بهشت خانه‌ای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات ده و مرا از دست مردم ستمگر برهان و مریم دخت عمران را همان کسی که خود را پاکدامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدیم و سخنان پروردگار خود و کتاب‌های او را تصدیق کرد و از فرمانبرداران بود.

### ۳-۱-۱- الگوگیری از دوستان

بعد از پدر و مادر، یکی از الگوهای کودکان و جوانان «دوستان» آن‌ها هستند که در برخی از موارد الگوپذیری آنان از دیگران بیشتر است و روی تربیت عقایدی و اخلاقی و رفتاری ما تأثیر دارند. قرآن کریم در این زمینه هشدار داده و در آیات ۲۷ تا ۲۹ فرقان در این رابطه می‌فرماید: «وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ﴿۲۷﴾ و روزی که ستمکار، دو دست خود را [از شدت اندوه و حسرت به دندان] می‌گزد [و] می‌گوید: ای کاش همراه این پیامبر راهی به سوی حق برمی‌گرفتم، یا ویلتی لیتنی لَمْ أَتَّخِذْ فَلَانًا خَلِيلًا ﴿۲۸﴾ ای وای، کاش من فلانی را [که سبب بدبختی من شد] به دوستی نمی‌گرفتم، لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا ﴿۲۹﴾ بی‌تردید مرا از قرآن پس از آنکه برایم آمد گمراه کرد. و شیطان همواره انسان را [پس از گمراه کردنش تنها و غریب در وادی هلاکت] واگذارد

### ۳-۱-۲- الگوگیری از معلم

یکی دیگر از موارد الگوگیری کودکان و جوانان، محیط تعلیم و تربیت آن‌ها یعنی همان «معلم» و مربی کودکان می‌باشند و معمولاً تمامی حرکات و سکنات خود را از مربیان، نمونه‌برداری می‌کنند، به همین جهت هنگامی که از امام باقر (علیه‌السلام) درباره آیه ۲۴ سوره عبس که می‌فرماید: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ؛ انسان باید به غذای خویش بنگرد» سؤال شد، حضرت فرمودند: یعنی علمی که فرا می‌گیرد، بنگرد از چه کسی فرا می‌گیرد.

### ۳-۲- روش موعظه

این روش از جمله روش‌هایی است که خداوند متعال برای تربیت همه انسان‌ها بدان سفارش کرده و در آیه ۱۲۵ سوره نحل در این رابطه می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نما در حقیقت پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده دانتر و او به [حال] راه یافتگان [نیز] دانتر است». موعظه نیکو، موعظه‌ای است که از جان پاک واعظی راه یافته، به روشی نیکو، از آن برای اصلاح و هدایت بهره گرفته شود و خود قرآن کریم، کتاب موعظه الهی است.

### ۳-۲-۱- ارزش دادن به کودکان

از راه‌های مهم تربیت و هدایت، شخصیت دادن به افراد مخصوصاً به کودکان است، بنابراین یکی از اموری که در مساله تربیت فرزند قطعاً باید مورد توجه قرار گیرد، مساله تحقیر و ایجاد خودکم بینی است. پدر و مادر و مربیان، باید به کودک احترام بگذارند و غرور او را سرکوب نمایند و به عبارت دیگر، از هر موضوعی که عقده حقارت و خودکم بینی در کودک ایجاد می‌کند دوری نمایند و در بزرگسالان نیز مساله چنین است باید احترام کافی به مردم گذارد تا احساس کمبود و حقارت نمایند و گرنه سر از عقده‌ی حقارت بیرون آورده و منشا انحرافات و گناهان خواهد شد.<sup>۱</sup> (قرائتی، ۱۴۰۰، ص ۳۱) امام هادی (علیه السلام) می‌فرماید: «من هانت علیه نفسه فلا تامن شره» (حرانی، ۱۳۸۲، ص ۵۷۴). کسی که شخصیتی برای خود قائل نیست از شر او بر حذر باش». امام علی (علیه السلام) در این باره فرمودند: «من کرمت علیه نفسه لم يهينها بالمعصيه؛ کسی که نفس خویش را گرامی دارد با گناه خوارش نمی‌سازد». (تمیمی‌آمدی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۱۸۲)

### ۳-۲-۲- روش تشویق و تنبیه

تشویق و تنبیه از جهاتی مانند ایجاد بیم و امید و بشارت و انذار یک روش تربیتی است؛ اما تفاوت‌های ظریف و لطیفی میان این روش‌ها وجود دارد. در وعده، اصل آن است که تخلفی صورت نمی‌گیرد، ولی وقتی وعیدی داده شد، ممکن است مربی از آن استفاده نکند و بگذرد. هم چنین در تشویق و تنبیه میزان مشوق‌ها و تنبیهات بیان نمی‌شود و به کلی گویی می‌توان بسنده کرد، ولی در وعده و وعید می‌بایست میزان تشویق و تنبیه مشخص شود. هم چنین همواره بشارت مقدم بر انذار است (انعام، آیه ۱۴۷؛ فصلت، آیه ۴۳). و تا جایی که می‌توان از انذار استفاده نمی‌شود. دیگر آن که اگر بر بشارت چند بار تاکید می‌شود انذار از نسبت کم‌تری برخوردار خواهد بود. بخاطر این است که در آیات قرآنی همواره شمار و تعداد بشارت بیش‌تر از انذار بوده و دیگر آن که تا با محبت و تشویق و بشارت می‌توان کاری را پیش برد به سراغ تنبیه و انذار نمی‌روند. نکته

دیگر آن که درباره انسان‌هایی که از نظر فکری و رفتاری از خرد خود بهره نمی‌برند و بر اساس تقلید و مانند آن عقاید و رفتارهایی دارند، با نگاهی کریمانه با آنان برخورد می‌شود و به جای تنبیه اصل تشویق مورد توجه قرار می‌گیرد و به جای آن که در پاسخ بدی آنان به بدی پاسخ داده شود با آنان رفتاری بهتر و پسندیده‌تر در پیش گرفته می‌شود تا شخص مسیر هدایت و اصلاح و درستی را بیابد و از مسیر غلط و نادرست بیرون آید. (فرقان: ۶۳ و ۷۵).

### ۳-۲-۳- بازی و سرگرمی

بازی و سرگرمی، حق طبیعی کودک است و نباید به بهانه کثرت مشغله، ترس از اتفاقات حین بازی و... کودک را از این حق غریزی محروم کنند. از طریق همبازی شدن با کودک، می‌توان کنترل خشم، مهرورزی، همکاری و تعاون، مهارت‌آموزی، رعایت حقوق دیگران (همبازی) و... را به کودک آموخت. در داستان یوسف (علیه‌السلام)، برادر حسود، برای پیاده‌سازی نقشه شوم خود، می‌بایست یوسف (علیه‌السلام) را از پدر دور می‌کردند. و پدر که نسبت به حس حسادت آنان به یوسف (علیه‌السلام)، واقف بود، مخالفت می‌کرد. اما تنها سلاح منطقی فرزندان که حضرت یعقوب (علیه‌السلام) را تسلیم خواسته آن‌ها کرد، تأکید برادران بر نیاز کودک به تفریح و بازی است از این رو با این استدلال، خطاب به پدر بیان داشتند *أرسله معنا عدداً يرتع ويلعب وإننا له لحافظون* (یوسف ۱۲) فردا او را با ما (به خارج شهر) بفرست، تا غذای کافی بخورد و تفریح کند؛ و ما نگهبان او هستیم. در این آیات، یعقوب پیامبر در برابر استدلال فرزندان نسبت به نیاز یوسف به گردش و تفریح، هیچ پاسخی نمی‌دهد و عملاً آن را می‌پذیرد. این خود دلیل بر آن است که داشتن بازی و سرگرمی سالم برای فرزند، یک نیاز فطری و طبیعی است و نباید از آن جلوگیری کرد. از این آیه نکته دیگری هم برداشت می‌شود و آن اینکه بهتر است تفریح و ورزش ترجیحاً در فضای آزاد و سبز صورت گیرد، که بر جنبه‌های روانی شادابی و سلامت جسمانی فرزندان بیافزاید. قرآن کریم در آیه دیگری هم به بازی و مسابقه فرزندان یعقوب با یکدیگر تصریح می‌کند. *(قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ)* گفتند: ای پدر ما رفتیم و مشغول مسابقه شدیم (یوسف ۱۶) نباید در مورد بازی کودکان سخت‌گیری نموده و به بهانه‌های غیرموجه مانع بازی و سرگرمی‌های سالم و کودکان و نوجوانان شد. مکارم شیرازی، ج ۹/ص ۳۳۴) یکی از سیره‌های دیگر رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) این بوده است که با بچه‌ها بازی می‌کردند. می‌فرمودند: من کان عنده صبی فلیتصاب له (حرعاملی، ۱۴۲۴، ج ۲۱، ص ۴۸۶). کسی که کودکی نزد اوست باید با او کودکی کند. ایشان کودکان را به خاطر پنج ویژگی دوست می‌داشت: اول آن که بسیار می‌گریند؛ دوم آن که با خاک بازی می‌کنند؛ سوم آن که بدون کینه دشمنی می‌کنند؛ چهارم آن که چیزی برای فردا ذخیره نمی‌کنند؛ پنجم آن که می‌سازند و سپس خراب می‌کنند. (پور یزدی، ۱۴۰۰، ص ۵۰)

### ۳-۲-۴- روش‌های محبت

بی‌گمان این روش در اصلاح و تربیت همه انسان‌ها به خصوص کودکان، نقشی عظیم و کارسازی دارد که خداوند متعال، پیامبر گرامیش را به روش محبت آراسته کرده و در این رابطه می‌فرماید: *«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ* (آل عمران / ۱۵۹) پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرمخو او



پرمهر[ شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند پس از آنان در گذر و برایشان آمرزش بخواه و در کار[ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا خداوند توکل- کنندگان را دوست می‌دارد.» و تعبیر قرآن کریم نیز از کودکان به «بخشش» و هدیه، تعبیری است محبت‌آمیز می‌فرماید: «لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِمَّا نَأْتًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ» (شوری/۴۹) فرمانروایی [مطلق] آسمان‌ها و زمین از آن خداست هر چه بخواهد می‌آفریند به هر کس بخواهد فرزند دختر و به هر کس بخواهد فرزند پسر می‌دهد.» انسان، به فطرت خود نیازمند محبت است و در مراحل اولیه زندگی و دوران کودکی خویش به محبتی بیشتر نیاز دارد و تأثیر روش محبت در سازمان دادن به شخصیت کودک بر کسی پوشیده نیست. البته محبتی معتدل و راستین و به دور از تکلف و تصنع و متناسب با سن و سال و وضع و حال کودک و به دور از تبعیض که در این زمینه روایاتی از اهل بیت (علیه‌السلام) نیز داریم. نمونه‌هایی از این روش را در قرآن کریم، می‌توان در داستان حضرت یوسف (علیه‌السلام)، جست‌وجو کرد. یکی در هنگامی که پدرش، حضرت یعقوب (علیه‌السلام)، بنابر تقاضای برادران یوسف، او را به بازی و گردش می‌فرستد و خوف از جان یوسف (علیه‌السلام)، را دارد. چنان که در آیات ۱۲ و ۱۳ سوره یوسف (علیه‌السلام)، فرموده است: «أَرْسَلُهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿۱۲﴾» فردا او را با ما بفرست تا [در چمن] بگردد و بازی کند و ما به خوبی نگهبان او خواهیم بود؛ قَالَ إِنِّي لَيَحْزَنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّبُّ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ؛ ﴿۱۳﴾ گفت این که او را ببرید سخت مرا اندوهگین می‌کند و می‌ترسم از او غافل شوید و گرگ او را بخورد.»

### ۳-۲-۵- گذشت و چشم پوشی یک راهبرد تربیتی

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ (یوسف: ۹۸ و ۹۹). 'گفتند: پدر، از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطاکار بودیم. گفت به زودی برای شما از پروردگرم آمرزش می‌طلبم که او غفور و رحیم است. حضرت یعقوب (علیه‌السلام)، به هنگامی که آن‌ها نزد او اعتراف به گناه و اظهار ندامت کردند و تقاضای استغفار نمودند، می‌گوید: بعداً برای شما استغفار خواهم کرد و ظاهراً همان‌گونه که در روایات وارد شده هدفش این بوده است که انجام این تقاضا را به سحرگاهان شب جمعه که وقت مناسب‌تری برای اجابت دعا و پذیرش توبه است، به تأخیر اندازد. این راهبرد در زمانی کارایی دارد که کودک خود قبل از هر چیز، از رفتار اشتباهش اظهار ندامت کند در غیر این صورت، ممکن است به عصیان بیشتر وی بی‌انجامد.

### ۳-۲-۳- روش تعلیم

این شیوه هم یکی از روش‌ها است که بیشتر در روایات ائمه روی آن تأکید شده مثلاً در بعضی از روایات، یکی از حقوق فرزند را «آموزش قرآن» و یا «سوادآموزی» برشمرده‌اند و در جای دیگر امام علی (علیه‌السلام)، می‌فرماید: از دانش ما به کودکان خود چیزی بیاموزید که خداوند به واسطه آن سودشان بخشد. (محمدی‌ری- شهری، ۱۳۶۷، ج ۱۴، ص ۷۱۰۷، ح ۲۲۷۵۳) و همچنین است آموزش نماز، شنا، تیراندازی که همه این‌ها

در تربیت جسمی و روانی کودک مؤثر است و در تربیت قرآنی، احتیاط‌های لازم در امور جنسی کودک نیز حائز اهمیت شمرده شده او امر فرمود که کودکان باید با اجازه وارد اتاق خواب پدر و مادر شوند، می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند»

### ۳-۳-۱- انواع تربیت

با توجه به ابعادی که در انسان مورد پرورش قرار می‌گیرد، تربیت دینی به سه نوع بدنی (ظاهری و بیرونی)، عقلی و قلبی (باطنی و درونی) تقسیم می‌شود.

#### الف) - تربیت بدنی

تربیت بدنی عبارت است از: پرورش دادن جسم به طوری که بتواند به وظیفه‌اش عمل کرده و درمقابل بیماری‌ها مقاومت کند. (ت‌الهامی‌نیا، ۱۳۷۸، ص ۹۱). تربیت جسم؛ تربیتی مادی و بیرونی است که بسیاری از مکتب‌ها، در گذشته و حال به آن پرداخته‌اند و برایش برنامه‌ریزی‌ها کرده و به آن ارزش نهاده‌اند، اما فرق اساسی آنها با اسلام در نوع نگرش به این امر است. آنها به تربیت جسم به عنوان یک هدف و تن‌پروری می‌نگرند و در نتیجه همه تلاش آنان در این راستا است. اما اسلام تربیت جسم را برای خدمت به عقل و قلب و روح می‌خواهد، نه به عنوان یک هدف، بلکه به عنوان ظرف و مرکب روح به آن توجه می‌کند. اسلام انسان را به پرورش جسم توصیه می‌کند، نه تن‌پروری به معنای تنبلی و نفس‌پروری. اسلام با تن‌پروری مخالف است و هیچ‌گاه آن را نمی‌پسندد؛ زیرا تن‌پروری پیروی از هوی و هوس و پاسخ مثبت دادن به تمام خواسته‌های نفسانی است، درحالی‌که تمام دستوراتی که اسلام در مورد استفاده از غذاهای پاک و حلال و رعایت بهداشت صادر کرده، بر عکس آن است (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۲۷۱)

#### ب) - تربیت عقلی

تربیت عقل عبارت است از: پرورش و شکوفایی استعداد تعقل نهفته در انسان به منظور دستیابی به حقیقت و واقعیت (الهامی‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۹۴). شهید مطهری درباره اهمیت این نوع تربیت فرمودند: «اسلام یک دین طرفدار عقل است و به نحو شدیدی هم روی این استعداد تکیه کرده است؛ نه فقط با او مبارزه نکرده، بلکه از او کمک و تاکید خواسته است، و تایید خود را همیشه از عقل می‌خواهد. در این زمینه آیات زیاد است، آیات دعوت به تعقل و تفکر، یا آیاتی که به شکلی مطالب را طرح کرده‌اند که فکرانگیز و اندیشه‌انگیز است.» (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۲۷۱) اسلام برای پرورش و شکوفایی عقل، راه‌های عملی گوناگونی ارائه داده است که تمام انسان‌ها، در هر سطحی باشند، می‌توانند از آنها بهره‌گیرند؛ از جمله به اندیشیدن درباره نظام آفرینش

آل عمران: آیه ۱۹۰). خلقت انسان (طارق: آیه ۵). موجودات زنده دیگر (نحل: ۶۸-۶۹). تاریخ گذشتگان (غافر: ۲۹) سفارش می کند.

### ج) - تربیت قلبی

قلب کانون عواطف و احساسات است که اگر به طور صحیح پرورش نیابد، پیامدهای ناهنجاری دارد که جبران آنها به آسانی امکان پذیر نیست. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «هرگاه قلب شخص پاکیزه گردد، جسدش نیز پاکیزه شود و اگر قلب پلید گردد، جسد هم پلید می شود» (ابن بابویه، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۱) می توان گفت: سرنوشت آدمی و سعادت و شقاوت او بستگی به این دارد که قلبش به گونه ای صحیح تربیت شود. این سخن، دیدگاه قرآن مجید درباره فرجام انسان است که فرمود: «در آن روز (قیامت) که مال و فرزندان سودی نمی بخشد، مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید!» (شعرا: ۸۸-۸۹) پس ضروری است که انسان، توجه کامل به قلب خویش داشته باشد. آن را در مسیر صحیح تربیت کند، بهداشت و درمانش را رعایت نماید، آسیب هایش را بزداید و او را در راه اعتلا و بالندگی کمک کند تا سرمایه عمر بیهوده از کف نرود؛ از این رو در نظام تربیتی اسلام توجه کافی نسبت به پرورش قلب به عنوان یک تربیت درونی و باطنی شده، به گونه ای که ارزنده ترین تحفه الهی به بشر؛ یعنی قرآن مجید، در ظرف قلب قرار گرفته است: «مسئلاً این (قرآن) از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است! روح الامین (جبرئیل) آن را نازل کرده است. بر قلب (پاک) تو، تا از انذار کنندگان باشی» (شعراء: ۱۹۲-۱۹۴) همچنین مشاهده آخرین درجه نزدیکی به خدا؛ یعنی معراج رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را بر عهده دل نهاده و فرموده است: «سپس (پیامبر) نزدیک شد و نزدیک شد تا اندازه دو کمان یا نزدیک تر، و خداوند به بنده خود هر چه باید وحی کند، وحی کرد، دل آنچه را که دید دروغ نشمرد» (نجم: ۸-۱۱) نظر نهایی قرآن پیرامون قلب، که پس از یازده سوگند بیان شد چنین است: «هر کس درپاکی نفس کوشید، رستگار شد و هر که درپلیدی اش فروپوشید، ناامید گشت» (شمس: ۹-۱۱)

## ۴- وظایف پدر و مادر در برابر فرزندان

### ۴-۱- انتخاب نام شایسته

انتخاب نام خوب برای کودک امری بسیار مهم و حساس است که تاثیر زیادی بر شخصیت و روح و روان او دارد، نام زیبا و شایسته، نماد هویت و شخصیت آینده هر فرد و مایه افتخار و مباهات وی خواهد بود. امام علی (علیه السلام) در این رابطه فرموده است: از جمله حقوق فرزند بر پدر و مادر این است که نامی نیکو بر او بنهد و به خوبی تربیتش کند و قرآن را به او بیاموزد. در فقه الرضا آمده است که: «نام نوزاد را در روز هفتم تعیین کنید» (استادی، ۱۳۶۳، ص ۲۳۹). امام موسی بن جعفر (علیه السلام) درباره انتخاب نام نیک فرمود: «نخستین نیکی پدر به فرزند، انتخاب نام نیک است» (علامه مجلسی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۹).

#### ۴-۲- مهر و محبت

ارتباط عاطفی با فرزند موجب می‌شود که وی با والدین خویش صمیمی باشد، به آنان اعتماد کند و آنان را پناهگاه خویش در بحران‌های زندگی بداند. خداوند در قرآن کریم، خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «به خاطر رحمت خدا بود که تو با آنان ارتباط صمیمی و مهرآمیزی پیدا کردی، اگر خشن بودی، هیچ کس دور تو جمع نمی‌شد». در این میان والدین بسیاری هستند که به فرزندان خود محبت فراوان دارند اما آن را ابراز نمی‌کنند. محبت وقتی سازنده و تأثیرگذار خواهد بود که فرد مورد محبت از آن آگاهی یابد؛ این نیاز، را می‌توان به شکل‌های گوناگون از جمله بوسیدن کودک، در آغوش گرفتن، گفتن جملات زیبا و محبت‌آمیز، خریدن هدیه و اسباب بازی و... برآورده کرد. از نکات بسیار مهمی که والدین باید در این زمینه به آن توجه داشته باشند این است که از زیاده روی و افراط در محبت بپرهیزند که این خود نیز مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت. خداوند در سوره منافقون مسلمانان را از محبت و علاقه زیاد به مال و فرزند که باعث غفلت از یاد خدا می‌شود، برحذر می‌دارد و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید مبادا اموال و فرزندان، شما را از یاد خدا غافل گرداند و هر کسی چنین کند از زیان کاران است». محبت زیاد و بی‌جا، موجب ناپرووردگی، لوس بار آمدن و از خود راضی شدن کودک می‌شود و به سبب وابستگی شدید کودک به والدین، فرزندان را از کسب استقلال باز می‌دارد و در حقیقت زمینه ضعف و سستی کودک و عدم شکیبایی و پایداری او در مقابل مشکلات را فراهم می‌کند.

#### ۴-۳- گذشت و چشم‌پوشی از خطاها در صورت پشیمانی

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ؛ ( یوسف: ۹۸ و ۹۹ ) گفتند: پدر، از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطاکار بودیم. گفت به زودی برای شما از پروردگار آمرزش می‌طلبم که او غفور و رحیم است یوسف در برابر اظهار ندامت برادران گفت: يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ ، خداوند شما را بیمارزد، ولی یعقوب به هنگامی که آنها نزد او اعتراف به گناه و اظهار ندامت کردند و تقاضای استغفار نمودند، می‌گوید: بعدا برای شما استغفار خواهم کرد و ظاهرا همانگونه که در روایات وارد شده هدفش این بوده است که انجام این تقاضا را به سحرگاهان شب جمعه که وقت مناسبتری برای اجابت دعا و پذیرش توبه است، به تاخیر اندازد. ( مکارم شیرازی، ج ۱۰ / ص ۷۵ ) یک قاعده و مطلب کلی اینست که فرزندان باید بیازمایند تا راه را از چاه، و ثواب را از ناصواب تشخیص دهند. یک کودک یا نوجوان یا جوان برای کشف نیازها، استعدادها و توانایی‌هایش ناگزیر از آزمون و خطاست فلذا خطا و اشتباه او نیز امری اجتناب‌ناپذیر است و باید با دادن فرصت‌های دوباره زمینه شکوفایی و پیشرفت آنها را فراهم ساخت.

#### ۴-۴- احترام به فرزند

در هندسه معرفتی قرآن، اصل کرامت وجودی انسان، که ناشی از مقام خلیفه‌الهی اوست، زیرساختی‌ترین اصل تربیتی است. و لقد کرّمنا بنی آدم... (اسراء: ۷۰). بنابراین تمامی هنجارها و رفتارهای تربیت‌ساز کودک و نوجوان، می‌بایست مبتنی بر این نگاه صورت پذیرد. قرآن، آنجا که از فرزندخواندگی سخن به میان می‌آورد، سفارش می‌کند که آن‌ها را به نام و نسب شان، بخوانید تا کرامتشان حفظ شود. ادْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ... (احزاب/۵) (آن‌ها را به نام پدرانشان بخوانید که این کار نزد خدا عادلانه‌تر است؛ و اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، آن‌ها برادران دینی و موالی شما هستند). کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۴۹، ح ۲. در اسلام، احترام به فرزند هم بسیار تاکید شده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: همان گونه که فرزند نباید به والدین خود بی‌احترامی کند، والدین نیز نباید نسبت به او بی‌احترامی نمایند. مهم‌ترین وظیفه والدین نسبت به فرزندشان این است که به او احترام بگذارند و شخصیت فردی و اجتماعی او را حفظ کنند و او را در میان همسالان و همبازی‌هایش خفیف و خوار جلوه ندهند. اگر کودک در خانه مورد احترام باشد، کمتر از اوامر پدر و مادر سرپیچی می‌کند. از امام صادق (علیه‌السلام) روایت شده است که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود: «خدا رحمت کند کسی که به فرزندش بر نیکی‌ها کمک کند. راوی سؤال کرد: چگونه؟ فرمود: کار آسانی که از او برمی‌آید قبول کند و کارهایی که برایش دشوار باشد و انجام نمی‌دهد از او درگذرد. و کارهای سخت از او نخواهد و با وی سفاقت و تندگی نکند. کسی خدمت امام صادق (علیه‌السلام) رسید و پرسید: به چه کسی نیکی کنم؟ امام فرمود: «به پدر و مادرت». عرض کرد: آنها از دنیا رفته اند. فرمود: «به فرزندان». (الاشعث الکوفی، ص ۹۶)

#### ۴-۵- آموزش حیا و تربیت جنسی کودک

لازم است از سن سه سالگی فرزند خود را نسبت به خود جنسیتی آشنا کنند و همچنین برای فرزند خود شرح دهند که شما اسباب بازی دارید و باید مراقب آن باشید. شما کفش دارید و باید مراقب آن باشید؛ همچنین دست، پا و چشم؛ لذا نحوه مراقبت از اعضاء بدن را به فرزند خود آموزش دهید و بعد از این مرحله به فرزند خود آگاهی دهید که هر انسانی دارای اعضاء خصوصی در بدن می‌باشد که هیچگاه نباید آن را به کسی نشان دهد و هیچکس هم نباید از او بخواهد که آن را ببیند؛ البته او هم نباید عضو خصوصی هیچ کودکی را مشاهده یا لمس کند. به والدین عزیز تأکید می‌کنیم آموزش اعضاء خصوصی بدن مختص فرزند دختر نبوده و به فرزندان پسر نیز باید آموزش داده شود (محمدپور، ۱۳۹۵، ص ۶۲) یکی از وظایف مهم پدر و مادر توجه عمیق و جدی به حفظ عفت و پاکدامنی کودکان است. الإمام علیّ نهی رسول الله (صلی الله علیه و آله) أن یُجامعَ الرَّجُلُ امرأتهُ وَالصَّیْبَ فی الْمَهْدِ یَنْظُرُ إِلَیْهِمَا؛ امام علی (علیه‌السلام): پیامبر خدا، نهی کرد از این که مرد با زنش آمیزش کند و در گهواره، کودکی باشد و به آن بنگرد. (مجلسی، ۱۳۸۸، ۲۷۲) اگرچه گزینه جنسی در کودک، ضعیف است اما حریم باز و اتاق خواب بدون قانون والدین، زمینه بیداری زود هنگام این قوه حیوانی را در کودک نابالغ و نوجوان در آستانه بلوغ فراهم می‌سازد. خداوند به منظور پیشگیری از بلوغ زودرس و بروز انحرافات جنسی

بر آموزش حریم نگهداری و تقویت حس حیامندی در کودک تأکید دارد، و می‌فرماید: **وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ؛** (نور/۵۸) و کودکان تان که به حد بلوغ نرسیده‌اند در سه وقت از شما اجازه بگیرند، قبل از نماز فجر و در نیمروز هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشا این سه وقت خصوصی برای شما است. در آیه ۵۹ سوره نور در مورد فرزندان بالغ چنین می‌فرماید: و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ برسند، باید (در همه وقت برای ورود به اطاق والدین) اجازه بگیرند، همانگونه که اشخاصی که پیش از آنها بودند اجازه می‌گرفتند. این دستور متوجه اولیای اطفال است و آنها موظفند که این احکام را به کودکان خود اعم از دختر و پسر بیاموزند که فرزند نابالغ در سه وقت موظف به اجازه گرفتن می‌باشد و کودکان بالغ وظیفه دارند در همه حال به هنگام ورود به اطاق خصوصی پدر و مادر اجازه بگیرند. در اجرای این دستورات به هیچ وجه مسامحه‌کاری صحیح نیست و گاه می‌شود که سهل‌انگاری پدر و مادر و برخورد کودکان با منظره‌هایی که نمی‌بایست آن را ببینند، سرچشمه‌ی انحراف اخلاقی و گاه بیماری‌های روانی، و آلودگی جنسی شده است. (قرائتی، ۱۴۰۰، ص ۳۲) پیامبر فرمودند: ... بستر رختخواب آنان (فرزندان) را در ده سالگی جدا کنید. (قرائتی، ۱۳۹۱، ج ۱۰، ص ۱۲۹) و همچنین زراره نقل می‌کند: امام صادق (علیه‌السلام) درباره‌ی آیه: **الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ** فرموده است: «این آیه اشاره به مردان دارد نه زنان». گفتم: «آیا زنان هم باید در این سه موقع اجازه بگیرند؟» فرمود: «نه، بلکه داخل شوند و بیرون روند». و درباره‌ی: **وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ** فرمود: «کسانی از خودتان که به سن بلوغ نرسیده‌اند، باید مانند کسانی که به سن بلوغ رسیده‌اند، در این سه وقت اجازه‌ی ورود بگیرند.» (برازش، ۱۳۹۶، ج ۱۰، ص ۳۲۸)

#### ۴-۶- آشناسازی کودک و نوجوان با اصول دین‌داری

قرآن در یک خطاب کلی به اهل ایمان می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ (تحریم/۶)** ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ‌ها هستند نگهدارید. تقوی از مصدر وقایه به معنای خویشتن‌داری و خودنگهداری است. عرب به سپر می‌گوید: وقایه. ترجمانی چون پرهیزکاری، برحذرداشتن، خداترسی و... همه از لوازم و فروعات مفهوم تقوا هستند نه اصل مفهوم. بر مبنای این آیه، پدر و مادر مومن نمی‌تواند و نباید نسبت به تعلیم معارف دین به فرزندان، کوتاهی بورزند. پیامبران و اولیای الهی در منش‌ها و گویش‌های خود با فرزندان، همواره ایشان را به اصول عقاید دینی همچون مبدأ و معاد توجه داده‌اند. در این باب، سوره لقمان آیه‌ی ۱۳ در این باره می‌فرماید: **«وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ؛** (به خاطر بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش - در حالی که او را موعظه می‌کرد- گفت: «پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است.» و همچنین در آیه‌ی ۱۳۲ سوره بقره می‌خوانیم که: **«وَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ؛** و ابراهیم و یعقوب (در واپسین لحظات عمر)، فرزندان

خود را به این آیین، وصیت کردند؛ (و هر کدام به فرزندان خویش گفتند): «فرزندان من! خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است؛ و شما، جز به آیین اسلام [=تسلیم در برابر فرمان خدا] از دنیا نروید.»

#### ۴-۷- آموزش احکام و فروعات دین

والدین در کنار تعلیم اصول دین، می‌بایست دستورات و احکام شرایع آسمانی را نیز به فرزندان خود آموزش دهند. صرف آموزش هم به تنهایی کافی نیست بلکه طبق آیه زیر، پافشاری، تأکید، مراقبت و صبر و حوصله بر اجرای تکالیف الهی اعضای خانواده نیز لازم است: وَأَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَأَصْطَبِرُ عَلَيْهَا؛ (طه: ۱۳۲) خانواده خود را به نماز فرمان ده؛ و بر انجام آن شکبیا باش. احادیث بسیاری درباره آموزش فرزندان وارد شده که از جمله آنها می‌توان به چند حدیث اشاره کرد. پیامبر فرمود: و کودکان را به صف آخر {نماز جماعت} نفرستید، بلکه بین آن‌ها {به وسیله بزرگان} فاصله ایجاد کنید: (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۴۰۹) پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: رحم الله عبداً اعان ولده علی بره بالاحسان الیه، و التآلف له و تعلیمه و تأدیبه(نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۸۴)؛ خداوند رحمت کند بنده ای را که فرزندش را بر نیکی و سعادتش یاری کند به او احسان نماید و با او انس و الفت بگیرد و به آموزش و پرورش او پردازد. و همچنین فرمودند: «رحم الله والدين اعانا ولدهما علی برهما؛ خداوند پدر و مادری را رحمت کند که فرزند خود را در راه سعادتش یاری می‌نمایند.» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۴۸). حق الولد علی الوالد ان یحسن اسمہ ویحسن ادبہ ویعلمه القرآن (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹). «امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: حق فرزند بر پدر این است که پدر برای او نام نیک انتخاب کند و تربیت او را به نیکی انجام دهد و قرآن رابه او بیاموزد.» از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «احادیث ما را زود به فرزندان تان تعلیم دهید، تا مخالفان آنها را گمراه نکنند» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۱۸۵، ح ۳۷۷).

#### ۴-۸- مشورت و احترام به رأی و نظر فرزندان

یکی از پیام‌های غیرمستقیم ماجرای ذبح حضرت اسماعیل (علیه السلام)، مشورت‌خواهی و تکریم فرزند است:

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ

سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ﴿صافات/ ۱۰۲﴾ و وقتی با او به جایگاه سعی رسید گفت ای پسرک من

من در خواب [چنین] می بینم که تو را سر می برم پس ببین چه به نظرت می آید گفت ای پدر من آنچه را

ماموری بکن ان شاء الله مرا از شکیبایان خواهی یافت؛ فَلَمَّا أَسْلَمًا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ ﴿صاغات/۱۰۳﴾ پس وقتی هر دو تن دردادند او همدیگر را بدرود گفتند] و [پسر] را به پیشانی بر خاک افکند.

#### ۹-۴- تقویت حس مسئولیت‌پذیری، شهامت و درایت در فرزندان

ماجرای به آب افکندن حضرت موسی (علیه‌السلام)، توسط مادرش صفورا، از نقطه‌نظر تربیتی، دربردارنده پیام‌های متعددی از جمله: تقویت حس مسئولیت‌پذیری فرزند، ایجاد روحیه اعتماد به نفس در فرزند، مهرورزی نسبت به برادر، شجاعت، هوشمندی و درایت در انجام مسئولیت است. مادر به دخترش، «عائده» مأموریت می‌دهد که وقتی من صندوقچه برادرت را به آب افکندم، آن را تعقیب کن و از دور مراقبش باش! وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنْبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ؛ (قصص: ۱۱) و (مادر موسی) به خواهر او گفت: «وضع حال او را پیگیری کن!» او نیز از دور ماجرا را مشاهده کرد در حالی که آنان (فرعونیان) بی‌خبر بودند. دختر، از پی صندوقچه رفت و دید فرعون و همسرش، موسی را از آب برگرفتند. این تفحص و تلاش تا آنجا ادامه یافت که خواهر دریافت فرعونیان در جستجوی دایه‌ای برای کودک شیرخوار هستند. این دختر فکور و شجاع، با هوشمندی ستودنی، جلومی‌رود و آن‌ها را به دایه‌ای که همان مادر است، رهنمون می‌شود. إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَنْ يَكْفُلُهُ؛ طه: ۴۰) در آن هنگام که خواهرت (در نزدیکی کاخ فرعون) راه می‌رفت و می‌گفت: «آیا کسی را به شما نشان دهم که این نوزاد را کفالت می‌کند (و دایه خوبی برای او خواهد بود).

#### ۱۰-۴- پرهیز از هر گونه تبعیض میان فرزندان

ریشه بسیاری از بزه‌های اخلاقی فرزندان در بزرگسالی ناشی از تبعیض و عدم رعایت عدالت در محبت‌ورزی بدان‌هاست. در آسیب‌شناسی رفتار حضرت یعقوب نبی (علیه‌السلام) نسبت به یوسف (علیه‌السلام) و سایر فرزندان، باید گفت دوست داشتن افراطی پدر نسبت به فرزند، و اظهار عملی آن در پیش چشم دیگر اعضای خانواده، آتش حسادت و کینه را در آن‌ها شعله‌ور ساخت سرانجام این مسئله باعث انجام کاری به دور از عقل و منطق توسط برادران یوسف شد. نعمان بن بشیر می‌گوید: شنیدم پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله) فرمود: بین فرزندان به عدالت رفتار کنید. والدین باید به حقوق فردی و اجتماعی کودک، احترام بگذارند. چون اگر حقوق فردی و اجتماعی آنها رعایت شود؛ آنها یاد می‌گیرند که در آینده فردی عدالت‌خواه تربیت شوند. به همین خاطر لازم است والدین در میان آنها به عدالت رفتار کنند تا این خصوصیت در رفتار آینده آنان ایجاد شود. در حقیقت آموزش کودکان به آداب زندگی در محیط خانوادگی این فرصت را به کودکان می‌دهد تا در جامعه بتوانند حقوق دیگران را رعایت کنند و توانایی تحمل آنها بالا برود. کودکان اگر در خانه نتوانند حقوق دیگران از جمله والدین را رعایت کنند، بدون شک در بیرون خانه از چنین ظرفیت و تحملی برای مراعات حقوق دیگران را نخواهند داشت. حضرت علی (علیه‌السلام) فرمودند: خداوند متعال، دوست دارد که میان فرزندان



عدالت ورزید، حتی در بوسیدن متقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۴۴۵) و در هدیه دادن به فرزندانان، عدالت ورزید: پاینده، ۱۳۸۲، ۳۴۱).

#### ۴-۱۱- تادیب صحیح

ما فکر می کنیم عبادت فقط نماز و زیارت است. آن عبادتی که برای همیشه به ما خیر می رساند و دمامد برکاتش به ما می رسد، فرزند با ادب است؛ فرزندى که با ادب الهی تربیت شده باشد. (فرحزاد، ۱۳۹۹، ص ۵۱) امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «إن خیر ما ورث الآباء لأبنائهم الأدب لا المال فإن المال یذهب والأدب یبقى نیکوترین چیزی که پدران برای فرزندان شان به ارث می گذارند، ادب است نه مال؛ چرا که مال می رود و ادب باقی می ماند.» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۸ ص ۱۵۰). اگر کسی یک فرزند با ادب و وارسته تربیت کند، بهترین باقیات صالحات است. هر کار خیری می کند، بدون این که از پاداش این فرزند کم شود، به حساب پدر و مادر ثبت می شود. پدر و مادر بدون زحمت از فرزندان با ادب نسل اندر نسل بهره مند می شوند.

## نتیجه‌گیری؛

تربیت در لغت به معنای ایجاد چیزی یا حالتی، به تدریج و در مراحل مختلف است تا به حد کمال و تام خود برسد. اسلام این وظیفه سنگین را قبل از هر نهاد دیگری به خانواده سپرده است. خانواده برای تربیت فرزندان صالح و سالم باید از کودکی تلاش کنند و از راه‌های مانند الگودهی به کودک، موعظه، تشویق و تنبیه و ... استفاده کنند تا فرزندان با حیا، مسئولیت‌پذیر، باادب، شجاع و با درایت تربیت کنند. تربیت فرزندان سالم باعث تربیت جامعه سالم می‌شود. در اسلام، تربیت از جایگاه و اهمیت والایی برخوردار است و پدر و مادر برای موفقیت در این امر باید روش‌های صحیح تربیتی را فراگیرند. خداوند متعال در قرآن به عنوان کتاب هدایت و تربیت، الگوهای متعدد تربیتی را معرفی کرده است. بسیاری از مشکلات و انحرافات اخلاقی و تربیتی عصر حاضر از عدم بهره‌گیری از روش‌های تربیتی صحیح ناشی می‌شود. پدر و مادر و مربیان ناآگاهانه تربیت را در روش‌های مستقیم تربیتی (گفتار مستقیم و تنبیه) محصور می‌کنند و خود و فرزندان را از روش‌های تربیتی صحیح و اسلامی محروم می‌کنند. در نظام تربیت اسلامی به تفاوت‌های فردی و شخصیتی توجه شده است تا پدر و مادر بتوانند با به کارگیری روش‌های تربیتی متناسب با روحیه و شخصیت هر فرد، در این امر مهم موفق گردند. بنابراین به کارگیری روش‌های تربیتی علاوه بر اینکه والدین را در تربیت هر چه بهتر فرزندان موفق می‌گرداند، امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

## منابع

### \*قرآن

### \*نهج البلاغه

- ۱- ابوطالبی، مهدی، تربیت دینی از دیدگاه امام علی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۸۸ش.
- ۲- استادی، رضا، تحقیقی پیرامون کتاب فقه الرضا، مشهد، کنگره جهانی حضرت رضا(علیه السلام)، ۱۳۶۳ش.
- ۳- الهامی‌نیا، علی اصغر، تعلیم و تربیت در اسلام، قم، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
- ۴- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
- ۵- پوریزدی، رحمت، با کودکان کودکی کنید، مهرتا، یک، ۱۴۰۰.
- ۶- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، قم، دارالحدیث، ۸، ۱۳۹۵.
- ۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، خسروی حسینی، سیدغلامرضا، بی‌جا، چهارم، ۱۳۸۸.
- ۸- فرحزاد، حبیب الله، تربیت فرزند، قم، نشر عطش، ۱۳۹۵.
- ۹- فیض کاشانی، محمد محسن، ترجمه تفسیر شریف صافی، قم، دفتر نشر نوید اسلام، چاپ ۱۰، ۱۳۹۲.
- ۱۰- قرائتی، محسن، گناه‌شناسی، تهران، مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن، هجدهم، ۱۴۰۰.
- ۱۱- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن، ۸، ۱۳۹۱.
- ۱۲- کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، ج ۱، قم، قدس، یک، ۱۳۸۸ش.
- ۱۳- محمدپور، صمدشاه، چگونه فرزندان باحیا داشته باشیم؟، قم، میراث الانبیاء، ۱۳۹۵.
- ۱۴- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۴۸، ۱۳۸۵ش.
- ۱۵- مکارم‌شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۱: ۱۰، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.
- ۱۶- ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، محمدباقر کمره‌ای، تهران، کتابچی، ۱۳۷۴ش.

عربی

- ۱۷- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، سوم،
- ۱۸- برازش، علیرضا، تفسیر اهل بیت (علیهم السلام)، سید رسول بهشتی نژاد دیگران، تهران، امیرکبیر، دوم، ۱۳۹۶ .
- ۱۹- حرانی، ابومحمد، تحف العقول، حسن زاده صادق، قم، انتشارات آل علی (علیه السلام)، اول، ۱۳۸۲ ش .
- ۲۰- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد ۸۲: ۴۴: ۲۰: ۱۶: ۱۴، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۴ق.
- ۲۱- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۳۶۵ ش.
- ۲۲- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، جلد ۶: ۵، قم، دارالحدیث، اول، ۱۴۲۹ق.
- ۲۳- کوفی، محمد بن اشعث، الجعفریات، بیجا، مکتبه نینوی الحدیثه، بیتا.
- ۲۴- متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، جلد ۱۶: ۵، بیروت لبنان، ۱۴۱۹ق.
- ۲۵- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، جلد ۳: ۱۰، تهران، اسلامیه، بیتا.
- ۲۶- مجلسی، حلیه المتقین در آداب و اخلاق اسلامی، قم: مسجد مقدس جمکران، سوم، ۱۳۸۸.
- ۲۷- محمدی ری شهری، محمد، المیزان الحکمه، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، دوم، ۱۳۶۷ .
- ۲۸- موسوی، سید حبیب الله: طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، تهران، حبیب، دوم، ۱۴۲۰ق.
- ۲۹- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، لبنان بیروت، موسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ق.